

شخص مسئول در مسئولیت مدنی ناشی از اعمال مطبوعاتی

محمود کاظمی*

استادیار گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

اسعد انور عارف

دکترای حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۱/۸ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۱/۴/۲۵)

چکیده:

گروهی بودن فعالیت‌های مطبوعاتی و مشارکت افراد متعدد در انجام دادن آن موجب شده، هنگامی که از یک فعالیت مطبوعاتی به شخصی زیان می‌رسد، یا سبب بی نظمی و خسارت عمومی می‌شود، تعیین عامل زیان، یا فرد مسئول و در فرضی که چند نفر مسئول باشند، تعیین نوع مسئولیت آنها به لحاظ تضامنی و غیر آن دشوار باشد. برای تعیین فرد مسئول، نظریه‌های مختلفی در نظام‌های حقوقی جهان وجود دارد. قانون مطبوعات ایران در این زمینه مبهم است و این امر موجب اختلاف نظر شده است. در این مقاله به بررسی این موضوع و نقد و تحلیل نظریه‌های مختلف پرداخته و ثابت خواهیم کرد که در حقوق ایران نظریه مسئولیت جمعی پذیرفته شده است.

واژگان کلیدی:

اعمال مطبوعاتی، مسئولیت مدنی مطبوعاتی، مدیر مسئول، مسئولیت تضامنی.

مقدمه

۱- اکنون این نظریه پذیرفته شده است که فعالان مطبوعاتی در برابر مطالبی که بیان می‌کنند مسئولیت دارند و در این خصوص در تمام کشورها قوانینی تصویب شده است، که قانون مطبوعات ایران هم از جمله آنها است.

۲- می‌دانیم که مسئولیت حقوقی از یک جهت به مسئولیت کیفری و مدنی، تقسیم می‌شود. قانون مطبوعات ایران با تأکید بر مسئولیت کیفری، تصویب شده است، و به جز تبصره ۱ ماده ۳ آن در خصوص مسئولیت مدنی مطبوعاتی نصی وجود ندارد و باید احکام آنرا از اصول کلی مسئولیت مدنی استنباط کرد. از آنجایی که همیشه در انجام فعالیت‌های مطبوعاتی، افراد متعددی (صاحب امتیاز نشریه، مدیر مسئول، نویسنده مطلب و...) مشارکت دارند، به هنگامی که از انجام فعالیت مطبوعاتی زبانی برای فرد یا جامعه ایجاد می‌شود و بحث جبران خسارت مطرح است، این مسئله که کدام فرد یا افراد سبب ایجاد خسارت بوده و باید به عنوان خوانده دعوی مسئولیت مدنی، طرف دعوی واقع شوند، و دادگاه آنها را به جبران خسارت محکوم کند، مطرح می‌شود. بر این اساس تعیین شخص مسئول و نوع مسئولیت او، در مسئولیت مدنی مطبوعاتی، یک مسئله مهم و اساسی است.

به عنوان مثال هرگاه مطلبی خلاف واقع در یک نشریه چاپ شود و موجب خسارات مادی و معنوی شخص گردد یا از طریق نشر مطالب در یک نشریه به فردی توهین شود، چه کسی مسئول است. نویسنده، مدیر مسئول، یا صاحب امتیاز نشریه، یا همه افرادی که به نوعی در فعالیت مطبوعاتی دخالت داشته‌اند؟ و در فرض مسئولیت جمعی آنان، آیا مسئولیت آنها تضامنی یا غیر تضامنی است.

۳- در تمام مواردی که چند عامل ظاهری سبب ورود خسارت به غیر می‌شوند، تعیین فرد مسئول و عامل اصلی زیان یک مسئله مهم است، اما در فعالیت‌های مطبوعاتی به دلیل طبیعت خاص فعالیت‌های مطبوعاتی این موضوع مشکل‌تر بوده و از پیچیدگی خاصی برخوردار است و برای تعیین فرد مسئول، نظریه‌های مختلفی در نظام‌های حقوقی جهان مطرح شده است. در حقوق ایران از زمان تصویب نخستین قانون مطبوعات تا زمان حال، تحولات زیادی در این زمینه ایجاد شده است، اما قانون حاضر در این خصوص صریح نیست و این امر باب نظریه پردازی و اختلاف نظر را باز گذاشته است. در این مقاله به بررسی این موضوع و نقد و تحلیل نظریه‌های مختلف پرداخته، تلاش می‌کنیم موضع حقوق ایران را با توجه به مقررات موجود، بیان کنیم.

مبحث یکم: نظریه‌های مختلف در باب مسئولیت مطبوعاتی

در خصوص تعیین فرد مسئول در فعالیت‌های مطبوعاتی، نظریه‌های مختلفی در نظام‌های حقوقی، وجود دارد که در این مبحث به نقد و تحلیل آنها می‌پردازیم.

بند یکم: نظریه مسئولیت تضامنی

نظریه مسئولیت تضامنی در مسئولیت مدنی (به معنای عام) مبتنی بر این دیدگاه است که باید تمام عواملی را که به نوعی در وقوع زیان مؤثر بوده‌اند، مسئول بدانیم. به عبارت دیگر مسئولیت تضامنی فرع بر اینست که زیان ایجاد شده را متناسب به تمام عوامل ظاهری زیان بدانیم و در مرحله بعد به جای اینکه مسئولیت جبران خسارت بین آنان تقسیم شده و هر یک به نسبت سهم خود در برابر زیان دیده مسئول باشند، هر کدام را مسئول جبران تمام خسارت وارد بر زیان دیده بدانیم، اگر چه بعداً خسارت بین آنان تقسیم شود.^۱ به لحاظ منطقی مسئولیت تضامنی در این فرض مبتنی بر این دیدگاه است که همه اسباب و رخدادهایی که به نوعی در وقوع زیان نقش داشته‌اند با یکدیگر برابر هستند و هر یک به دیگری قوه سببیت اعطا می‌کند، بنابراین همگی باید مسئول باشند (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ص ۳۹۹؛ درودیان، ۱۳۷۹، ص ۳۵۹). به عبارت دیگر مسئولیت تضامنی مبتنی بر این دیدگاه است که در تعیین رابطه سببیت، هر عاملی که اگر نبود، زیان حاصله ایجاد نمی‌شد، سبب تلقی شده، باید مسئول باشد. عبارت معروفی در زبان لاتینی وجود دارد که در مورد تعیین رابطه سببیت به کار می‌رود: «هر عاملی که اگر نبود زیان واقع نمی‌شد، سبب تلقی می‌شود»^۲ (cooke, 2001, p39).

به لحاظ مصلحتی نیز هدف از مسئولیت تضامنی، رعایت حال زیان دیده و جبران هر چه بیشتر زیان وارد بر اوست. زیرا وقتی چند نفر مسئول جبران تمام خسارت وارد بر زیان دیده باشند، شانس جبران خسارت زیان دیده بیشتر است. در خصوص مسئولیت مطبوعاتی نیز نظریه مسئولیت تضامنی مطرح شده است. این نظریه اولین بار در تدوین ماده ۲۴ قانون ۱۷ می ۱۸۱۹ فرانسه مورد توجه قرار گرفت (گارو، ۱۳۴۸، ص ۱۹۲). در حال حاضر نیز تا حدودی مورد قبول و عمل رویه قضایی انگلستان قرار گرفته است (cooke, 2001, p37). اگرچه با پذیرش این نظریه و ایجاد احساس مسئولیت برای تمام افراد دخیل در چاپ، نشر و توزیع مطبوعات دفاع از زیان دیده (فرد یا جامعه) بهتر تضمین می‌شود، اما انتقاداتی بر این نظریه وارد شده است:

۱. البته گاهی مسئولیت تضامنی مطرح می‌شود، در حالیکه در نهایت یکی از متضامنین مسئول جبران تمام خسارت است، و بار جبران خسارت بر او تحمیل می‌شود و سایر متضامنین اگر خسارت پرداخت کرده باشند به او رجوع می‌کنند و به اصطلاح تقسیم مسئولیت صورت نمی‌گیرد. مثل مسئولیت ایادی غاصبان، نسبت به مال منصوب که در یکی از آنها تلف شده است (مواد ۳۱۷ و ۳۱۸ ق.م.).

2- sine qua non: without which not

انتقاد نخست، جنبه کلی دارد و به اصل نظریه برابری اسباب و شرایط که لازمه مسئولیت تضامنی است، مربوط می‌شود. با این بیان که این نظریه قلمرو مسئولیت مدنی را بی‌اندازه گسترش می‌دهد و علی‌رغم ظاهر مادی‌گرایی آن، به آسانی جنبه ماوراءالطبیعه به خود می‌گیرد؛ زیرا در نهایت هر کس می‌تواند خویشتن را مسئول پیدایش وضع بدی بداند که جهان به آن دچار گشته است (درودیان، ۱۳۷۹، ص ۳۵۹).

ایراد دوم، این است که پذیرش این نظریه به‌ویژه در مسئولیت مدنی مطبوعاتی موجب می‌شود که هیأت تحریریه و توزیع‌کنندگان مطبوعات و سایر دست‌اندرکاران فعالیت مطبوعاتی که تأثیر زیادی در تعیین خط و مشی و مطالب مطبوعاتی ندارند نیز، به طور دائم در معرض خطر تعقیب قرار گیرند، و این امر بر خلاف اصل آزادی بیان و اطلاع‌رسانی در مطبوعات است، و موجب خود سانسوری می‌شود (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۲).

بند دوم: نظریه مسئولیت ترتیبی

مطابق این نظریه برای احراز مسئولیت مطبوعاتی، باید سلسله مراتب قایل شد. به این معنا که نویسنده مطلب به عنوان مسئول اصلی در طبقه اول، مدیر و ناشر در طبقه دوم و سایر افراد دخیل در امر چاپ و نشر مطبوعات در طبقات بعدی قرار گیرند. همچنین مطابق این نظریه به جز نویسنده که به عنوان مسئول اصلی بدو قابل پیگرد است، مسببان و عواملان دیگر تنها در صورتی مسئول هستند که در طبقه مقدم آنان کسی مسئول شناخته نشود. در اصل ۱۸ قانون اساسی بلژیک که اصل بیستم متمم قانون اساسی مشروطه ایران نیز در این زمینه تا حدودی از آن الهام گرفته بود این نظریه پذیرفته شده است (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۴).

مواد ۴۲ و ۴۳ قانون مطبوعات فرانسه مصوب ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ (که در ۲۵ مارس ۱۹۵۲ اصلاح شده است) نیز از این نظریه پیروی کرده‌است. مطابق این مواد، علاوه بر فردی که مطالب افترا آمیز را نوشته و به عنوان مرتکب فعل مادی، مسئول است، کسانی که تنها اجازه چاپ، انتشار و توزیع آن را داده‌اند، یعنی مدیران انتشار و ناشران و در صورت نبود آنها کسانی که عمل مادی انتشار را انجام داده‌اند و در صورت نبود آنها، چاپ‌کننده و در صورت نبود چاپ‌کننده، فروشندگان، توزیع‌کنندگان و نصب‌کنندگان آگهی به عنوان مسئول قابل تعقیب و مجازاتند (Hesston, 1996, p. 64).

این شیوه تعیین فرد مسئول در حقوق ایران در اصل بیستم متمم قانون اساسی مشروطه (مصوب ۱۳۲۴ هـ.ق) پذیرفته شده بود؛ بعدها در دومین قانون مطبوعات ایران (مصوب ۱۳۳۱) به‌طور صریح بیان شد. مطابق ماده ۲۸ این قانون مدیر نشریه یا نویسنده، مسئول مطالب منتشره در مطبوعات بود، ولی هرگاه نویسنده مطلب شناخته شده و مقیم ایران

بود، مدیر نشریه مسئولیتی نداشت اما اگر مدیر از معرفی نویسنده عاجز بود یا از معرفی او خودداری می‌کرد و یا نویسنده قابل تعقیب نبود، مدیر نشریه مسئول بود.

انتقادی که بر این نظریه وارد است، این است که به لحاظ منطقی پذیرفته نیست که مسئولیت شخص، فرع بر عدم شناسایی فرد مسئول اصلی شود (بردبار، ۱۳۸۴، ص ۵۵). اگر به لحاظ قواعد و اصول حقوقی، مدیرمسئول یک نشریه باید مسئول زیان ناشی از انتشار یک مطلب زیان بار در نشریه باشد، نباید بین فرضی که نویسنده نامعلوم و غیرقابل شناسایی است، با فرضی که معلوم و شناخته شده است، تفاوت وجود داشته باشد. اگر مدیر مسئول از باب مسئولیت شخصی و به دلیل دخالت در انتشار مطلب زیان بار، سبب ایجاد خسارت است، باید مسئول باشد، خواه دیگران هم جزء سبب به حساب آیند یا خیر و خواه اسباب دیگری شناسایی شده و قابل تعقیب باشند یا نباشند؛ و اگر از باب مسئولیت ناشی از فعل غیر باید پاسخگوی اعمال دیگران باشد (همانند مسئولیت اولیای صغار، ماده ۷ ق.م.م.). باز مسئولیت او نباید منوط به عدم شناسایی و تعیین عامل اصلی زیان گردد. این انتقادات موجب شد که در قوانین مطبوعات، از این شیوه پیروی نشود.

بند سوم: نظریه مسئولیت شخص واحد

در باب تعیین فرد مسئول بین عاملان ظاهری زیان، در حقوق مسئولیت مدنی، سالهاست که «نظریه برابری اسباب و شرایط» (l'équivalence de conditions) به کنار نهاده شده است، و این نظریه حاکم است که می‌باید در بین اسباب و عوامل ظاهری زیان، سبب اصلی و متعارف را جستجو کرد. به عبارت دیگر این نظریه پذیرفته نیست که هر عاملی که عدم آن موجب عدم تحقق ضرر می‌شد، سبب زیان تلقی شود، بلکه باید سبب متعارف زیان را پیدا کرد (la causalité aduquat). بر این اساس برای تعیین سبب اصلی باید در میان اسباب ظاهری زیان، دست به گزینش زد و نمی‌توان عاملی را سبب متعارف یا اصلی زیان بر شمرد، مگر آنکه آن عامل، بر حسب جریان عادی یا متعارف امور موجب ورود زیان گردد. به عبارت دیگر باید بین سبب زیان و شرایط تحقق آن تفاوت قایل شد. با وجود این، چنانچه تقصیر عمدی فرد، یکی از اسباب زیان باشد، حقوقدانان و دادگاههای فرانسه تردیدی در مسئول شناختن آن سبب به خود راه نمی‌دهند (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ش ۲۲۸، ص ۴۰۷). زیرا به گفته استارک (starck)، حقوقدان فرانسوی، ضرری را که عامل آن خواسته است، ضرورتاً قابل انتساب به وی نیز خواهد بود (starck, 1982, p.268). در زمینه مسئولیت مدنی مطبوعاتی نیز این نظریه مطرح شده است. چنانکه در حقوق سوئد تنها مدیرمسئول منصوب از طرف امتیاز، دارای

مسئولیت است و او نمی‌تواند با ادعای اینکه مطلب منتشره را نخوانده یا بدون آگاهی او منتشر شده، خود را از مسئولیت و جبران خسارات ایجاد شده بری بداند (Brown, 2003, p.44). در حقوق انگلستان از گذشته تاکنون نظریه مسئولیت تضامنی حاکم بوده و هم اکنون نیز کلیه دست اندرکاران مطبوعاتی مسئول هستند، اگر چه سردبیر مسئولیت اصلی را دارد (Smith and Hogan, 2003, p175). نظریه مسئولیت شخص واحد دو فایده مهم دارد: نخست اینکه تضمینی جهت شناخت یک فرد معین به عنوان مسئول اعمال مطبوعاتی است؛ دوم اینکه موجب مصونیت سایر دست اندرکاران مطبوعات می‌گردد. این مصونیت (بر عکس نظریه تضامنی) دغدغه خاطر سایر دست اندرکاران چاپ و نشر مطبوعات را مرتفع ساخته، مانعی در جهت اعمال خودسانسوری و تضمینی برای آزادی مطبوعات است (شیخ الاسلامی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۲)؛ (Brandon, 1995, p45).

بند چهارم - نظریه پذیرفته شده در حقوق ایران

در حقوق ایران در قوانین مختلف مطبوعاتی که از گذشته تا کنون به تصویب رسیده است از نظریه های مختلف پیروی شده است؛ گاهی مسئولیت ترتیبی پذیرفته شده و در مواردی نیز مسئولیت تضامنی و جمعی قابل استنباط است (کریمیان راوندی، ۱۳۸۲، ص ۸). عده‌ای با توجه به تأکید نامه مظفرالدین شاه در مورد تأسیس روزنامه مجلس که در آن بیان شده بود، اولاً، مدیر روزنامه باید با اسم و رسم معین باشد؛ ثانیاً، مدیر مذکور باید، مانع انتشار مطالبی شود که مضر به حال دولت و ملت است و الا به محکمه عدلیه جلب و مورد مواخذه قرار خواهد گرفت و در صورت لزوم روزنامه هم توقیف خواهد شد، معتقدند نظر به تأکید این متن بر مسئولیت مدیر نشریه به جای نویسنده، می‌توان آن را نخستین قانونی دانست که مسئولیت ناشی از فعل غیر را بنا نهاده است (اسماعیلی، ۱۳۷۵، ص ۷۸؛ علوی، ۱۳۷۹، ص ۱۴۴). در حالیکه این تعبیر صحیح به نظر نمی‌رسد، زیرا در این متن مسئولیت مدیر مسئول نشریه به عنوان کسی که دستور انتشار نشریه را می‌دهد و مرتکب اصلی اعمال مطبوعاتی است (انتشار، رکن اصلی آن است)، مطرح شده است، و مسئولیت ناشی از فعل شخصی است، نه مسئولیت ناشی از فعل غیر.

اصل بیستم متمم قانون اساسی مشروطه (مصوب ۱۲۸۶)، نوع خاصی از مسئولیت در اعمال مطبوعاتی را مطرح کرد. به موجب این اصل: «...هرگاه چیزی مخالف قانون مطبوعات مشاهده شد، نشر دهنده یا نویسنده مسئول است، و اگر نویسنده معروف و مقیم ایران باشد، ناشر و طابع و موزع از تعرض مصون هستند». این اصل به تقلید از اصل ۱۸ قانون اساسی بلژیک و مطابق با نظریه مسئولیت ترتیبی تنظیم شده بود. اما مشخص نبود که اگر نویسنده مطلب زیان‌آور مطبوعاتی معلوم نباشد و در نتیجه نوبت به مسئولیت ناشر، مدیر نشریه و

توزیع کننده مطبوعات برسد، آیا مسئولیت آنان در طول یکدیگر و به صورت ترتیبی است، یا در عرض هم و به صورت جمعی یا تضامنی.

در ماده ۲۸ قانون مطبوعات سال ۱۳۳۱ نیز قانونگذار از نظریه مسئولیت ترتیبی پیروی کرده بود. زیرا تعقیب مدیرمسئول را مشروط به عدم امکان تعقیب نویسنده - به هر دلیل - دانسته بود.

لایحه قانون مطبوعات مصوب ۲۰ مرداد ۱۳۵۸ تکلیف مسئولیت مطبوعاتی را به شکلی جدید و البته تا حدودی مبهم بیان کرد. مطابق ماده ۱۷ این قانون مسئولیت انتشار مطالب بر عهده مدیر مسئول بود و او در تخلفات مضر به حقوق اشخاص به شرط معرفی نویسنده و اثبات اینکه وی به وظایف متعارف خود عمل کرده، مسئولیت نداشت و مسئولیت بر عهده فرد مقصر قرار می‌گرفت. علاوه بر این حکم کلی، مواد ۱۷ و ۲۱ این قانون در موارد خاص قائل به مسئولیت تضامنی مدیرمسئول و نویسنده بود، و در مواد ۲۸ و ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۲۳، ۲۲ مصادیقی از مسئولیت صاحب امتیاز نیز ذکر شده بود.

در قانون مطبوعات سال ۱۳۶۴، قانونگذار تنها، صاحب امتیاز و مدیر مسئول را، به عنوان مسئول فعالیت‌های مطبوعاتی ذکر کرده بود. مطابق تبصره ۴ ماده ۹ قانون مزبور، صاحب امتیاز در قبال خط مشی کلی نشریه مسئول بود و مسئولیت یکایک مطالبی که در نشریه به چاپ می‌رسید و دیگر امور مربوط به نشریه، به عهده مدیر مسئول بود.

در این قانون، اولاً، نوع مسئولیت صاحب امتیاز و مدیر مسئول و اینکه تضامنی یا غیرتضامنی است، مشخص نبود؛ ثانیاً، در خصوص مسئولیت سایر دست اندرکاران فعالیت مطبوعاتی (نویسنده...) ساکت بود و این امر موجب ابهام شده بود.

با اصلاح قانون مطبوعات سال ۱۳۶۴، در ۱/۳۰ / ۱۳۷۹ قانونگذار نویسنده و پدیدآورنده اثر و سایر اشخاصی را که در انجام عمل مطبوعاتی دخالت داشتند، نسبت به اعمال مطبوعاتی، مسئول دانست.

به اعتقاد نویسندگان حقوقی، در قانون مطبوعات سال ۱۳۷۹، قانونگذار در یک سیاست چرخشی (به لحاظ شرایط خاص موجود در زمان تصویب آن) نظریه مسئولیت شخص واحد را که در قوانین پیشین تا حدودی پذیرفته شده بود، کنار نهاد و نظریه مسئولیت جمعی را پذیرفت (فضلی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۳).

مطابق تبصره ۷ ماده ۹ -اصلاحی سال ۱۳۷۹، مسئولیت مقالات و مطالبی که در نشریه منتشر می‌شود، به عهده مدیر مسئول است ولی این مسئولیت نافی مسئولیت نویسنده و سایر اشخاصی که در ارتکاب جرم دخالت داشته‌اند، نخواهد بود. بدینسان قانونگذار علاوه بر صاحب امتیاز و مدیرمسئول، نویسنده و سایر اشخاص را که به نوعی در فعالیت مطبوعاتی

دخالت دارند مسئول اعلام کرده است. اما اینکه مسئولیت دست‌اندرکاران فعالیت مطبوعاتی (صاحب امتیاز، مدیرمسئول، نویسنده و...) چگونه است، آیا مسئولیت تضامنی است یا جمعی و مشترک (غیر تضامنی)، در قانون مطبوعات در این خصوص نصی وجود ندارد و این امر موجب اختلاف نظر شده است. از مفاد تبصره ۷ ماده ۹ نیز بیش از مسئولیت جمعی و مشترک (یعنی اینکه هر یک از افرادی که در فعالیت مطبوعاتی دخالت داشته‌اند، مسئول هستند) استنباط نمی‌شود.

به عبارت دیگر مفاد تبصره فوق حاکی از آن است که قانونگذار مسئولیت ترتیبی یا مسئولیت شخص واحد را نپذیرفته و مسئولیت جمعی را پذیرفته است. اما این امر لزوماً به معنای مسئولیت تضامنی نیست.^۱ به ویژه اینکه قانون مطبوعات، ناظر به مسئولیت کیفری ناشی از اعمال مطبوعاتی است (مستنبط از تبصره ۱ ماده ۳۰) و به این دلیل جرایم و مجازات‌ها در آن بیان شده است، و در مسئولیت کیفری، مسئولیت تضامنی قابل تصور نیست، بلکه هر شخص به اعتبار اینکه در قانون، به عنوان مسئول اعلام شده است، یا در تحقق عنصر مادی جرم، مشارکت داشته است و یا به عنوان معاون، وقوع جرم را تسهیل کرده است، مسئولیت کیفری دارد. بر این اساس از تبصره ۴ و ۷ ماده ۹ قانون مطبوعات که صاحب امتیاز و مدیر مسئول را مسئول اعلام کرده و سپس بیان داشته که مسئولیت اینها «نافی مسئولیت نویسنده سایر اشخاصی که در ارتکاب جرم دخالت داشته باشند، نخواهد بود»، نمی‌توان به مسئولیت تضامنی اشخاص دخیل در فعالیت مطبوعاتی (از حیث مسئولیت مدنی) حکم کرد. بر این اساس باید حکم مورد را از قواعد عمومی مسئولیت مدنی استنباط کرد.

در موردی که چند عامل در وقوع زیان به دیگری دخالت دارند، در حقوق ایران مقررات مختلف وجود دارد. درحالی‌که ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی، در مورد مسئولیت کارگران، مسئولیت تضامنی را پذیرفته است، ظاهر ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی (که مؤخرالتصویب است)، از نظریه مسئولیت جمعی (مشترک) پیروی کرده است، هر چند با کمی تأویل مسئولیت تضامنی نیز قابل استنباط است (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ص ۴۰۲). بر این اساس با وجود سکوت قانون مطبوعات و تردید در مسئولیت تضامنی، از یک سو، و وجود ماده ۳۶۵ ق.م.ا. که از فقه اقتباس شده است و شهرت این نظریه در فقه اسلامی از سوی دیگر، باید مطابق اصل، مسئولیت جمعی را پذیرفت، مگر اینکه بتوان بر مبنای مصالح برتر، مسئولیت تضامنی را توجیه کرد.

۱. مسئولیت جمعی (مشترک) با مسئولیت تضامنی مساوی نیست، بلکه می‌توان گفت که مسئولیت تضامنی اخص از جمعی و مشترک است. زیرا در هر دو مورد، چند نفر مسئول هستند اما در مسئولیت جمعی هر کس به نسبت سهم خود ولی در مسئولیت تضامنی هر فرد مسئول تمام خسارت است، هر چند بعداً در رابطه بین عاملان زیان، مسئولیت تقسیم می‌شود.

بنابراین این هر یک از افراد دخیل در فعالیت مطبوعاتی، از جهت مسئولیت مدنی، به طور مساوی (یا به میزان تأثیر در وقوع خسارت، حسب اختلاف نظر موجود) مسئول هستند اما مسئولیت تضامنی ندارند. البته در عمل، مدیرمسئول، به عنوان مسئول اصلی در برابر زیان ناشی از یک فعالیت مطبوعاتی شناخته می‌شود (همانند مسئولیت کیفری) و غالباً شکایت علیه او مطرح می‌شود. اما به ویژه در موردی که نویسنده یک مطلب زیان بار مشخص است، این امر مانع مسئولیت نویسنده و سایر افراد دخیل در وقوع زیان نیست.

مبحث دوم- مسئولیت افراد دخیل در فعالیت مطبوعاتی

چنانکه گفته شد در انجام یک فعالیت مطبوعاتی، چندین نفر مشارکت دارند. قانون مطبوعات سال ۱۳۷۹ ایران حسب مورد چند شخص را مسئول دانسته و از نظریه مسئولیت شخص واحد پیروی نکرده است. در تبصره ۴ ماده ۹، صاحب امتیاز را در قبال خط‌مشی کلی نشریه مسئول دانسته است؛ و در تبصره ۷ ماده ۹، قانونگذار مسئولیت تمام مطالب منتشره در نشریه را به عهده مدیر مسئول نهاده است. همچنین قانونگذار در این تبصره مسئولیت مدیر مسئول را نافی مسئولیت سایر افراد دخیل در عمل مطبوعاتی (از جمله نویسنده) که حسب مقررات، ممکن است مسئول باشند، ندانسته است. در این مبحث سعی می‌کنیم با توجه به قانون مطبوعات و اصول حقوقی، مسئولیت هریک از افراد دخیل در فعالیت مطبوعاتی را با توجه به نوع فعالیت آنها به طور جداگانه بررسی کنیم.

بند اول- صاحب امتیاز

برای انتشار هر نوع نشریه از سوی اشخاص حقیقی و حقوقی نیاز به صدور مجوز از مراجع قانونی است، که این مجوز، امتیاز یا پروانه انتشار نامیده می‌شود (ماده ۸ قانون مطبوعات). صاحب امتیاز یک نشریه کسی است که تحت شرایط مقرر در قانون مطبوعات پروانه انتشار نشریه را دریافت کرده است و نام صاحب امتیاز به عنوان اولین شخص مسئول در قبال امور نشریه به ذهن تبادر می‌کند. فردی که نشریه متعلق به اوست و از نظر عرف و قانون، مدیرعالی و صاحب اختیار نشریه به حساب می‌آید و باید در قبال آثار و عواقب ناشی از انتشار آن مسئول باشد. مطابق تبصره ۴ ماده ۹ قانون مطبوعات، صاحب امتیاز در قبال خط‌مشی کلی نشریه مسئول است.

صاحب امتیاز مدیر مسئول را انتخاب می‌کند و اگر چه مطالب نشریه زیر نظر مدیرمسئول منتشر می‌شود اما خط‌مشی کلی نشریه با نظر صاحب امتیاز تعیین می‌شود و چون او از منافع و امتیاز نشریه برخوردار است، طبیعتاً باید مسئول و

پاسخگو نیز باشد. هر چند عنوان صاحب امتیاز و مدیرمسئول طبق تبصره ۱ ماده ۹ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹ می‌تواند در یک شخص جمع گردد. به طور خلاصه در مورد مسئولیت صاحب امتیاز می‌توان گفت، چنانچه دخالت اسباب و علل دیگر در ورود زیان به گونه‌ای نباشد که بتوان به لحاظ عرفی رابطه سببیت میان فعل آنها و ورود زیان را احراز کرد، مسئولیت ناشی از فعالیت مطبوعاتی تنها متوجه صاحب امتیاز خواهد بود؛ لیکن جایی که نقش نویسنده به اندازه‌ای بزرگ و مشهود است که بدون ابتکار و دخالت وی، دیگر دست اندرکاران مطبوعات هرگز توان یا امکان انتساب مطالب توهین‌آمیز یا افترا گونه را نمی‌یافتند در انتساب فعل (مطالب) زیانبار به دیگر دست اندرکاران مطبوعات (غیر از نویسنده) جای تردید است (کریمیان راوندی، ۳۸۶، ص ۱۳۳).

در موردی که مدیرمسئول غیر صاحب امتیاز است چون رابطه میان مدیرمسئول و صاحب امتیاز به طور معمول یک رابطه قراردادی (کارگر-کارفرمایی) است و مدیرمسئول مکلف است طبق اصول و خط مشی‌های مشخص شده توسط صاحب امتیاز فعالیت کند، زیان دیده می‌تواند بر مبنای ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی در موارد مسئولیت مدیرمسئول نیز به صاحب امتیاز مراجعه کند یا بر مبنای ماده یک همان قانون به شخص مدیرمسئول مراجعه کند. بنابراین احراز مسئولیت مدیرمسئول، مسئولیت صاحب امتیاز را نیز به دنبال دارد. ماده ۴۴ قانون مطبوعات فرانسه نیز صاحب امتیاز را مسئول اجرای محکومیت‌های مالی صادره علیه مدیرمسئول اعلام کرده است. صدور حکم علیه صاحب امتیاز، بدون پیگرد مدیرمسئول نیز امکان پذیر است (رای مورخ ۵-۱۹۸۲) (Blin, 1969, p.45). مسئولیت صاحب امتیاز در حقوق انگلستان به نسبت فرانسه و ایران از اهمیت بیشتری برخوردار است (Brown, 2003, p.261). در این کشور، جبران خسارات ناشی از فعالیت مطبوعاتی با صاحب امتیاز است، هر چند وی از لحاظ عرفی، نقش چندانی در تحقق فعل زیانبار نداشته باشد.

بند دوم- مدیرمسئول

مطابق تبصره ۴ ماده ۹ قانون مطبوعات ایران مسئولیت مطالب منتشره بر عهده مدیرمسئول است. این حکم مجدداً در تبصره ۷ همان ماده ذکر شده است. حدود مسئولیت مدیرمسئول و صاحب امتیاز در قانون مطبوعات ایران مشخص نیست. اگر صاحب امتیاز نشریه درباره خط مشی کلی نشریه و رعایت پاره‌ای از مقررات شکلی، از سوی قانونگذار مسئول شناخته شده است، مدیرمسئول نشریه نیز در مقام فردی که مطالب نشریه، زیر نظر مستقیم یا غیر مستقیم او تهیه و منتشر می‌شود و اداره تمام امور نشریه را به عهده دارد، مسئولیت بیشتری دارد.

شاید این نظر انتقاد برخی را برانگیزد، زیرا در نگاه اول صاحب امتیاز است که باید بیشترین مسئولیت‌ها را داشته باشد نه مدیر مسئول که صاحب امتیاز او را به استخدام نشریه در آورده است و از نظر رتبه اداری در مقام پایین‌تری قرار دارد و علی‌القاعده تحت نظارت صاحب امتیاز، فعالیت می‌کند. با دقت در مفاد قانون مطبوعات و آشنائی با کار مطبوعاتی و روش موجود در این حرفه مشخص می‌شود که مدیرمسئول مسئولیت تمام مطالب منتشره را بر عهده دارد و در محافل سیاسی، اجتماعی و صنفی از او به عنوان شخص اول نشریه نام برده می‌شود و هیچ مطالبی بدون نظر او منتشر نمی‌شود. در رویه قضائی نیز مسئولیت اصلی نسبت به مطالب منتشره بر عهده مدیر مسئول است و او اولین فردی است که مورد سوال قرار می‌گیرد و شکایت علیه مطبوعات نوعاً علیه مدیرمسئول مطرح می‌شود.

واژه (مدیرمسئول) نیز گویای این حکم است. اگر چه قانون مطبوعات راجع به مسئولیت کیفری است، اما واژه مسئول در تبصره ۴ و ۷ ماده ۹، شامل مسئولیت مدنی نیز می‌شود. در تبصره ۷ ماده ۹، مجدداً حکم تبصره ۴ تکرار شده است و بار دیگر تأکید شده است که مسئولیت مقالات و مطالبی که در نشریه منتشر می‌شود بر عهده مدیرمسئول است.

علاوه بر تبصره های ۴ و ۷ ماده ۹، در مواد ۲۷، ۳۰ و ۳۱ قانون مطبوعات در خصوص توهین به مقام معظم رهبری و مراجع عالی قدر تقلید مقرر شده است که مدیرمسئول نویسنده مطالب به محاکم صالحه معرفی و مجازات خواهند شد. هرچند این ماده در مورد مسئولیت کیفری است و راجع به توهین به مقام معظم رهبری و مراجع عالی قدر تقلید است، ولی از ملاک آن به ویژه در مسئولیت مدنی می‌توان استفاده کرد و در موردی که از انتشار مطالب نشریه‌ای به شخص حقیقی یا حقوقی خسارتی مادی و معنوی وارد شود، مدیرمسئول مسئولیت دارد. حتی اگر این استنباط را نپذیریم و قلمرو این ماده را منحصر به موارد مذکور در آن بدانیم، ماده ۳۰ قانون مطبوعات به صراحت انتشار هر نوع مطالب مشتمل بر تهمت یا افترا یا فحش و الفاظ رکیک و نظایر آن نسبت به اشخاص را ممنوع دانسته و مقرر داشته است که در صورت انتشار چنین مطالبی، مدیرمسئول جهت مجازات به محاکم قضایی معرفی می‌گردد.

به علاوه در تبصره ۱ ماده فوق به صراحت آمده است که هر گاه شخصی (حقیقی یا حقوقی) مدعی باشد که از انتشار مطالب موضوع ماده ۳۰ به او خسارتی وارد شده است، می‌تواند به دادگاه صالحه رجوع و تقاضای جبران خسارت کند و دادگاه مکلف به رسیدگی و صدور حکم است. براین اساس تبصره ۱ ماده ۳۰، به طور واضح و روشن مسئولیت مدنی مدیرمسئول در قبال مطالب زیان بار منتشره در نشریه را مقرر داشته است. این یک حکم عام است و محدود به زیان های ناشی از جرایم ماده ۳۰ نیست.

در تأیید این حکم باید گفت از آنجایی که امتیاز شمار زیادی از نشریات، به اشخاص حقوقی تعلق دارد و واضح است که در این گونه موارد نمی‌توان بسیاری از مسئولیت‌ها و اختیارات از جمله نظارت بر مطالب نشریه و جرح و تعدیل آن را، که فقط از شخص حقیقی ساخته است، از او طلب کرد (ماده ۵۸۸ قانون تجارت)، بدیهی است که در این گونه موارد باید فرد حقیقی را به نمایندگی شخص حقوقی تعیین کرد تا بتوان رعایت حدود اعمال مطبوعاتی را از او خواستار شد و این شخص، کسی جز مدیر مسئول نمی‌تواند باشد. بدین جهت صدور امتیاز نشریه برای اشخاص حقوقی، همچون اشخاص حقیقی بلا اشکال است (بند ب ماده ۹ قانون مطبوعات)، اما مدیرمسئول باید فرد حقیقی باشد تا از عهده اداره نشریه برآمده، و مسئولیت ناشی از آنرا پذیرا گردد، و به عبارتی مسئول مطالب منتشره در نشریه باشد.

در رویه قضائی نیز عملاً مدیر مسئول را مسئول کلیه مطالب منتشره در یک نشریه می‌دانند و بطور معمول هرگاه مطالب خلاف واقع و توهین آمیز یا ... در یک نشریه منتشر گردد، زیان دیده یا مدعی از مدیرمسئول شکایت می‌کند و دادگاه او را به عنوان مسئول نشریه محاکمه و بازخواست می‌کند.

در رویه قضائی، مسئولیت مدیر مسئول بسیار مهم است به گونه‌ای که گاه تقصیر و سوءنیت او مفروض انگاشته می‌شود. در این مورد به محکومیت مدیر مسئول نشریه آفتابگردان می‌توان اشاره کرد. در قسمتی از دادنامه صادر شده از شعبه تجدید نظر آمده است: «... باتوجه به مسئولیت قانونی مدیر مسئول، اعتراض او مبنی بر اینکه طنز قبلاً نیز چاپ شده و مدیر مسئول در روز انتشار در ایران نبوده و سوءنیتی در کار نبوده، مسموع نیست و اعتراض تجدیدنظرخواه رد می‌شود» (روزنامه جمهوری اسلامی، ۲-۷-۱۳۷۶، ص ۳).

از مجموع قانون مطبوعات ایران و روح حاکم بر آن نیز می‌توان استنباط کرد که مسئول اصلی عواقب یک فعالیت مطبوعاتی مدیر مسئول است. تبصره ۴ ماده ۹ قانون مطبوعات پس از آنکه حفظ خط مشی کلی نشریه را بر عهده صاحب امتیاز می‌داند مسئولیت یکایک مطالبی که در نشریه منتشر می‌شود، بردوش مدیرمسئول نهاده است. تبصره ۷ ماده مذکور نیز همین حکم را تکرار کرده است. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که مسئولیت تمام امور نشریه به عهده مدیرمسئول است مگر آنچه صراحتاً در قانون بر عهده صاحب امتیاز گذاشته شده است و مگر آنکه ثابت شود که سایر افراد نیز در وقوع زیان یا تحقق عنصر مادی جرم مطبوعاتی، مشارکت داشته‌اند.

در موردی که نام نویسنده مطلب نیز در نشریه ذکر می‌شود، در خصوص مسئولیت او در کنار مدیرمسئول در قانون ابهام وجود دارد. مستنبط از تبصره ۷ ماده ۹ قانون مطبوعات این است که نویسنده در کنار مدیرمسئول، مسئولیت دارد، اما در خصوص نوع مسئولیت آن دو

(تضامنی یا غیرتضامنی) به نظر می‌رسد که مسئولیت آنها مشترک است و هر کدام مسئول نصف خسارت وارد بر زیان دیده‌اند، مگر اینکه ثابت شود که تقصیر یکی از آنان به آن حد سنگین بوده که انتساب زیان به دیگری را منتفی کرده است. شرط عدم مسئولیت یا تبری از مسئولیت از سوی مدیر مسئول پذیرفته نبوده، و رافع مسئولیت او نیست؛ یعنی مدیر مسئول به هنگام اخذ مطالب و نوشته از نویسنده شرط کند که وی در انتشار این مطلب و زیان‌هایی که ممکن است از آن به اشخاص ثالث وارد شود مسئول نیست، چنین شرطی باطل و نسبت به اشخاص ثالث زیان دیده بی اعتبار است (اسماعیلی، ۱۳۷۵، ص ۱۹). در تأیید آن باید گفت:

اولاً، اگر بپذیریم که قانون، مدیر مسئول را نسبت به انتشار مطالب توهین آمیز یا کذب و بطور کلی زیان‌بار به حال اشخاص ثالث، مسئول دانسته است، او نمی‌تواند با شرط برائت از این مسئولیت شانه خالی کند و در واقع مسئولیت قانونی خود را بر دوش دیگری تحمیل کند. به ویژه اگر این عمل وی از مصادیق اعمال مجرمانه باشد، تردیدی در بطلان این شرط نیست؛ چنین شرطی مثل این می‌ماند که شخصی قبل از ارتکاب جرم با دیگری قرارداد ببندد که اگر او جرم مرتکب شد، طرف قرارداد مجازات شود؟ زیرا اصل شخصی بودن جرم و مجازات در حقوق جزا، مانع از اینست که کسی را به دلیل فعلی که دیگری مرتکب شده است، مجرم دانسته، مجازات کرد.

ثانیاً، حتی اگر به لحاظ اصول حقوقی چنین شرطی نامشروع نباشد و امکان تبری از چنین مسئولیتی وجود داشته باشد، چون متضرر عمل مطبوعاتی اشخاص ثالث هستند، مدیر مسئول نمی‌تواند با توافق با نویسنده، از مسئولیت خود در برابر اشخاص ثالث تبری جوید، در واقع می‌توان گفت چنین شرطی به ضرر اشخاص ثالث است و توافق به ضرر اشخاص ثالث باطل و بی اعتبار است (کریمیان راوندی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۲). مطابق ماده ۶ قانون مطبوعات ۱۸۸۱ فرانسه تمام نشریات باید یک مدیر مسئول داشته و صاحب امتیاز نشریه براساس قانون یک اوت ۱۹۶۸ باید مدیرمسئول را تعیین کند، در غیر این صورت مدیر مسئول شخصی است که نشریه را اداره می‌کند (کریمیان، راوندی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۳؛ Molyneux, 2000, p.97).

مسئولیت مدیرمسئول نشریه در حقوق فرانسه نسبت به مطالب مندرج در آن، گسترده است. به عبارت روشن‌تر، وی در برابر تمام مطالبی که در نشریه منتشر می‌شود، مسئول شناخته می‌شود و حسن نیت او در زمینه درج برخی مطالب خلاف، اثری ندارد (رأی مورخ ۲۸ مه ۱۹۵۷ بخش کیفری دیوان تمیز فرانسه) (Blin, 1969, p98). در واقع مدیر نشریه موظف است بر تمام مطالبی که در روزنامه یا مجله وی درج می‌شود نظارت و نسبت به صحت و سقم آنها، اطمینان پیدا کند. به همین دلیل، مدیرمسئول نشریه نمی‌تواند برای رفع مسئولیت خود درباره انتشار مطالب تخلف آمیز، به انتشار قبلی آن در نشریات دیگر استناد کند (رأی مورخ

۷ دسامبر ۱۹۲۴ بخش کیفری دیوان تمیز فرانسه (Blin, 1969, p28). در اصلاحات جدید قانون مطبوعات فرانسه نیز، مدیر مسئول نشریه است که برنامه‌ریزی درباره اهداف کلی نشریه را برعهده داشته، و مسئولیت جامع و همه جانبه دارد (Dreyer, 2007, p321).

بند سوم- نویسنده

در خصوص مسئولیت نویسنده، در تبصره ۷ ماده ۹ قانون مطبوعات، به آن اشاره شده است. قسمت آخر تبصره مذکور، بعد از بیان مسئولیت مدیر مسئول نسبت به مقالات و مطالب منتشره در نشریه در ادامه مقرر می‌دارد: «این مسئولیت نافی مسئولیت نویسنده و سایر اشخاصی که در ارتکاب جرم دخالت داشته‌اند، نخواهد بود». در ماده ۲۷ قانون مطبوعات نیز در مورد اهانت به مقام معظم رهبری و مراجع عالی قدر تقلید، قانونگذار به صراحت نویسنده را مسئول اعلام کرده است. به علاوه از عبارت «هرکس» یا «اشخاصی» مندرج در مواد ۲۵ و ۲۶ قانون مطبوعات که به صورت عام بیان شده، و نیز با توجه به عمل مرتکب در این مواد (فاش کردن، تشویش، تحریض و اهانت کردن) که ناظر بر عمل نگارنده مطلب است، می‌توان به صورت ضمنی مسئولیت نویسنده مطلب را استنباط کرد.

اشاره به مسئولیت نویسنده در مورد جرائم خاص و عدم اشاره به آن در سایر موارد مسئولیت مطبوعاتی مندرج در قانون مطبوعات سال ۱۳۶۴ از جمله در تبصره ۴ ماده ۹، موجب شده بود که برخی نویسندگان تنها در همان موارد خاص مسئول بدانند و مسئولیت عام او را در سایر موارد نپذیرند. این ابهام در خصوص سایر دست‌اندرکاران مطبوعاتی نظیر طراحان، عکاسان و کاریکاتوریست‌ها نیز مطرح بود. عده‌ای از حقوقدانان و کارشناسان علوم ارتباطات معتقد بودند، چون قانون مطبوعات روش خاصی از مسئولیت را پذیرفته و در تبصره ۴ ماده ۹ این قانون، مسئولیت یکایک مطالب منتشره را به عهده مدیرمسئول گذاشته است، نویسنده به جز در موارد مصرحه یاد شده مسئولیت ندارد و تاکید قانونگذار در تبصره مزبور بر مسئولیت مدیر مسئول نافی مسئولیت نویسنده است (محمدی، ۱۳۷۹، صص ۳۴۶ و ۳۴۰). اما به نظر عده‌ای دیگر این استدلال درست نیست، زیرا اصولاً هر کس مسئول اعمال خویش است و مسئولیت مدیرمسئول در تبصره ۴ ماده ۹ قانون مطبوعات را نمی‌توان به منزله نفی مسئولیت نویسنده و سایر اشخاص دخیل دانست. به علاوه مسئولیت مدیرمسئول یک مسئولیت مستقل ناشی از انجام عمل زیان بار خویش است و نمی‌توان آن را ناشی از فعل غیر دانست. با ملاحظه سیر تحول قانونگذاری در این خصوص، نیز مشخص می‌شود که همیشه نویسنده مطلب به عنوان یکی از اصلی‌ترین اشخاص مسئول در مسئولیت مطبوعاتی مطرح بوده است و

حتی در اصل ۲۰ متمم قانون اساسی مشروطه و اکثر قوانین مطبوعاتی قبل از انقلاب، معرفی نویسنده از ناحیه مدیرمسئول موجب برائت وی بوده است (محمدی، ۱۳۷۹، صص ۳۴۲ و ۳۴۱). اداره حقوقی قوه قضائیه در پاسخ به استعلام شعبه ۱۴۱۰ دادگاه تهران در نظریه شماره ۷/۸۳۲۳ مورخ ۱۳۷۷/۱۱/۱۱ در این خصوص اظهار داشته: «مسئولیت کیفری مدیر مسئول نشریه به نحو مقرر در تبصره ۴ ماده ۹ قانون مطبوعات، رافع مسئولیت کیفری نویسنده مطالب توهین و افتراآمیز ... نیست و بزه ارتكابی نویسنده جدا از اتهام مدیر مسئول حسب مورد، قابل تعقیب در دادگاه ذیصلاح است».

اما با تصویب اصلاحیه سال ۱۳۷۹، و افزودن تبصره ۷ به ماده ۹ قانون مطبوعات سال ۶۴ این مباحث پایان یافت و مطابق نص صریح تبصره مزبور، مسئولیت مدیر مسئول رافع مسئولیت اشخاص دیگر که در وقوع جرم دخالت داشته‌اند، نیست. به اعتقاد نویسندگان حقوقی، مسئولیت نویسندگان و سایر دست اندرکاران مطبوعاتی، یک نوع مسئولیت مطبوعاتی است و بر این اساس در خصوص مسئولیت کیفری، باید با حضور هیأت منصفه رسیدگی شود (محمدی، ۱۳۷۹، ص ۳۴۸؛ شیخ الاسلامی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۵) هر چند رویه قضائی بر خلاف آن اعتقاد دارد. با وجود این به نظر می‌رسد به لحاظ حقوقی می‌توان عمل نویسنده را مقتضی ورود زیان و عمل انتشار یا پخش یا پردازش را شرط تحقق مسئولیت نویسنده دانست (انصاری، ۱۳۸۶، صص ۳۶۵ و ۳۶۴؛ محسنیان، ۱۳۸۳، ص ۱۸). اما این شرط یک شرط متأخر است که اثر آن به گذشته بر می‌گردد و با وقوع آن، تقصیر نویسنده کشف می‌شود. به دیگر سخن، نویسنده یک مطلب زیانبار در واقع از همان زمان نگارش مطلب، مرتکب تقصیر شده است، لکن شناسایی این تقصیر وابسته به یک امر خارجی است که همان انتشار و پردازش مطلب در روزنامه، مجله و... می‌باشد (انصاری، ۱۳۸۱، ص ۳۶۵). جایی که نقش نویسنده به اندازه‌ای موثر و مشهود است که بدون دخالت و ابتکار وی مدیرمسئول هرگز توان یا امکان انتساب مطالب توهین آمیز یا افترا گونه را نمی‌یافت، در انتساب مطلب زیانبار به نویسنده تردید کمتری وجود دارد. در مسئولیت مدیر مسئول، می‌توان گفت مدیر مسئول در گزینش مطالبی که باید منتشر شوند، از آزادی کامل برخوردار است و حتی می‌تواند مطالب ارسالی نویسندگان را به صورت گزینشی یا اصلاح شده به چاپ برساند یا حتی مطالب نویسندگان خاص یا مطالب راجع به موضوعات خاص را اصلاً چاپ و منتشر نکند (انصاری، ۱۳۸۱، ص ۳۶۵). بنابراین اگر وی با علم و آگاهی مطلب خاصی را از یک نویسنده به چاپ می‌رساند، همانند آن است که خود او مطالبی را به زیان دیگری چاپ و منتشر کرده باشد. زیرا مطبوعات با توجه به حوزه‌های فعالیت خاصی که دارند، معمولاً به انتشار آن مطالبی اقدام می‌کنند که اهداف آنها را بر آورده سازد و همگام با خواسته‌های آنها باشد. البته تا زمانی که مطلبی منتشر نشود هیچ‌یک از اینها به شخص ثالث

نمی‌رسد، بنابراین، انتشار مطلب، زیان باراست، نه صرف نگارش آن. به عبارت دیگر می‌توان گفت دیگران فکر می‌کنند و اینها آن را بیان می‌کنند، یا آنچه را که می‌خواهند بیان کنند، از فکر دیگران عاریه می‌گیرند، پس سبب اصلی ورود زیان به غیر، مدیرمسئول است نه نویسنده (انصاری، ۱۳۸۱، ص ۳۶۶). مضافاً مدیرمسئول با نویسنده یک رابطه حقوقی دارد و مدیرمسئول به طور ضمنی پذیرفته است که اگر نویسنده‌اش مطالب مسئولیت آور نوشت، اولاً او بر آن مطالب نظارت کند؛ ثانیاً اگر نظارت نکرد مسئول باشد و تبعات نشر آن را به عهده بگیرد (فضلی، ۱۳۸۹، صص ۱۳۷-۱۳۸).

از سوی دیگر در مسئولیت نویسنده باید گفت نویسنده‌ای که مطالبی اهانت بار یا افترا آمیز را می‌نویسد، قصد دارد که این مطالب، در یک نشریه همگانی منتشر شود و به همین منظور مطالب خویش را در اختیار نشریه مورد نظر قرار می‌دهد و حتی در انتخاب نشریه نیز دقت می‌کند که احتمال انتشار مطلب وی در آن بیشتر باشد. بنابراین وی قصد انتساب امری را به دیگری دارد که رسانه‌های همگانی نوشتاری را بهترین وسیله برای این امر دانسته و از آن بهره می‌گیرد. به دیگر سخن نگارنده مطلب توهین آمیز یا زیان بار از مطبوعات به عنوان یک وسیله برای بیان مطالب خود و ایراد زیان به غیراستفاده می‌کند. در چنین فرضی عرف وی را به عنوان سبب اصلی وقوع زیان می‌شناسد و از مسئول شناختن او دریغ نمی‌کند، یعنی سبب اقوی از مباشر و بر مبنای قسمت آخر ماده ۳۳۲ قانون مدنی ایران سبب (نویسنده) مسئول است، نه مباشر (مدیرمسئول) (انصاری، ۱۳۸۱، ص ۳۶۶).

بند چهارم - چاپ کننده (ناشر)

از جمله اشخاصی که در جریان فعالیت مطبوعاتی مشارکت دارند چاپ کننده یا ناشر است. چنانچه بر اثر انتشار مطلبی در مطبوعات به کسی خسارتی وارد آید، آیا چاپ کننده مطلب و ناشر مذکور هم در برابر زیان‌دیده مسئول جبران خسارت است یا نه؟ در رابطه با چاپ کننده، قوانین ایران، انگلیس و فرانسه احکام متفاوتی دارند. برخی از حقوقدانان فرانسوی با توجه به تفسیرهایی که از قانون مطبوعات سال ۱۸۸۱ می‌کنند معتقدند اولاً؛ چاپ کننده، مانند نویسنده و مدیرمسئول، مسئول شناخته شده و در ردیف آنها قابل تعقیب است؛ ثانیاً، در صورتی که تعقیب مرتکب و مسبب اصلی میسر نبوده یا دشوار باشد، چاپ کننده را می‌توان مستقیماً مورد تعقیب قرارداد (گارو، ۱۳۸۷، ص ۲۰۷).

تفسیر مذکور اعتراض طرفداران مکتب آزادی خواهی را برانگیخته است که چرا چاپ کننده را در ردیف نویسنده و مدیرمسئول به پای میز محاکمه می‌کشاند (Dreyer, 2007, p.463). این عده خواستار آن شدند که قانون مطبوعات لاقبل به نفع چاپ کنندگان اصلاح شود؛

چنانکه پروست پارادول (Prevost Paradol) در جلد دوم کتاب خود به نام فرانسه نوین (La France nouvelle) می‌نویسد: «مسئولیت چاپ‌کننده نا معقول و شکنجه‌آور است؛ به استثنای دو حالت ذیل که مقرون به عدالت و ضروری است: نخست حالتی که نویسنده کشف نشود یا از زیر بار مسئولیت فرار کند؛ خواه مقیم، خارجه باشد یا مخفی شده و از تعقیب گریخته باشد؛ دوم، حالتی که مرتکب اصلی محکوم به پرداخت شده است، ولی نمی‌تواند تمام خسارات ناشی از فعل زیانبار را بپردازد».

در پی انتقاد از مسئول دانستن چاپ‌کنندگان، ماده ۴۳ قانون ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ فرانسه در خصوص مسئولیت راجع به تخلفات و زیان‌های مطبوعاتی وضع شد و چاپ‌کنندگان را از مسئولیت معاف دانست. در عین حال برای تعقیب قانونی چاپ‌کنندگان در این زمینه شیوه خاصی پیش بینی شده است (معمد نژاد، ۱۳۸۷، ص ۴۲۷). به این معنا که غیر از مواردی که کارهای چاپی به دعوت عمومی برای تجمع عمومی مربوط می‌شوند، تعقیب چاپ‌کنندگان، به عنوان مشارکت در مسئولیت مطبوعاتی، به سبب کارهای چاپی امکان پذیر نیست (معمد نژاد، ۱۳۸۷، ص ۴۲۷). اما چاپ‌کنندگان نشریات که از لحاظ جزائی از تعقیب و مجازات معاف شناخته می‌شوند، از جهت مسئولیت مدنی بر مبنای مقررات عمومی در صورتی که بتوان یک تقصیر شخصی به آنها نسبت داد، مسئول و قابل تعقیبند (رای مورخ ۱۳ نوامبر ۱۹۳۳ بخش مدنی دیوان تمییز فرانسه) (Blin, 1969, p88). در بسیاری از این موارد، تقصیر چاپ‌کننده در عدم جلوگیری از چاپ نشریه یا اثر چاپی حاوی مطالب خلاف و زیان‌آور، به رغم ایراد و اخطار فرد لطمه دیده از انتشار آن، ناشی می‌شود (رای مورخ ۴ نوامبر ۱۹۱۲ بخش مدنی دیوان تمییز فرانسه) (Blin, 1969, p94).

از آرای دیوان تمییز فرانسه و ماده ۴۳ قانون مطبوعات آن کشور می‌توان استنباط کرد که اولاً، مسئولیت چاپ‌کننده هم ردیف مسئولیت مدیرمسئول و نویسنده و دیگر دست‌اندرکاران نیست؛ ثانیاً، در صورت فقدان نویسنده و ناشر و مدیرمسئول، چاپ‌کننده مطلب به عنوان مسبب اصلی مورد تعقیب قرار خواهد گرفت (گارو، ۱۳۴۸، ص ۲۰۹). همچنین مطابق رویه قضائی، در زمینه کارهای چاپی در صورتی که چاپ‌کننده تقصیری مرتکب شده باشد، می‌توان او را از لحاظ مسئولیت مدنی تحت تعقیب قرار داد و به پرداخت غرامت محکوم کرد (آرای مورخ ۱۱ ژانویه ۱۹۰۵ و ۲۰ آوریل ۱۹۲۲ بخش مدنی دیوان تمییز فرانسه) (Blin, 1969, p178).

برخلاف قانون مطبوعات فرانسه، قانون مطبوعات ایران در خصوص مسئولیت چاپ‌کنندگان حکم صریحی ندارد و در واقع سکوت اختیار کرده است. در اینکه این سکوت به معنای عدم مسئولیت چاپ‌کنندگان و سایر دست‌اندرکاران مطبوعاتی مانند خبرنگار، ویراستار، حروفچین و توزیع‌کنندگان است یا خیر، بحث وجود دارد. اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه شماره ۷/۱۲۳۵، مورخ ۱۳۶۹/۳/۵ در این زمینه، چنین اظهار نظر کرده است: «در

قانون مطبوعات ۱۳۶۴ برای خبرنگاری که اخبار کذبی مخابره می‌نماید، مجازاتی پیش بینی نشده است، لکن چنانچه اخبار کذب مورد مخابره، متضمن بزهی از بزه‌های مذکور در قوانین جاری باشد حسب مورد قابل تعقیب در دادسرای عمومی محل وقوع جرم خواهد بود» (شهری، ۱۳۷۳، ص ۵۲۵).

بنابراین اعمال دست اندرکاران مطبوعات نظیر چاپ کنندگان، خبرنگار، ویراستار، حروفچین و ... تنها در صورتی جرم است که مشمول عناوین مجرمانه قانونی گردد. مستنبط از تبصره ۷ ماده ۹ قانون مطبوعات آن است که کلیه افرادی که به نوعی در وقوع جرم دخالت داشته‌اند از جمله چاپ کنندگان مسئولند. اما از لحاظ مسئولیت مدنی به عقیده برخی از نویسندگان از آنجایی که چاپ مطالب، مقدمه انتشار است، چاپ کننده نیز مشمول جبران خسارت ناشی از مطالب افترا آمیز یا دیگر موجبات مسئولیت مدنی در کتاب یا روزنامه می‌باشد. زیرا فرض بر این است که او از مطالب چاپ شده آگاهی دارد (کریمیان، راوندی، ۱۳۸۲، ص ۶۵).

اما این دیدگاه منصفانه به نظر نمی‌رسد، زیرا چاپ کننده هیچ کنترل و نظارتی بر مطالب و محتوای کتاب یا نشریه ندارد و قانوناً وظیفه‌ای در این خصوص ندارد. در اکثر موارد چاپ کننده هیچ رابطه صنفی و حقوقی با نشریه ندارد و در قالب قرارداد، چاپ آنرا بر عهده داشته و دستمزد آنرا می‌گیرد و شاید هیچ گونه سررشته و تخصصی در اعمال مطبوعاتی و موضوع کتاب نداشته باشد و گاه به عنوان یک کارگر فنی عمل می‌کند. بنابراین به صرف چاپ نشریه مسئول نیست مگر اینکه بتوان بر مبنای قواعد عام مسئولیت مدنی او را مسئول دانست. یعنی بین اقدام او و زیان وارد شده به شخص ثالث رابطه سببیت وجود داشته و تقصیر او ثابت شود. مثل اینکه مطالب زیانبار چاپ شده به گونه‌ای باشد که یک چاپ کننده متعارف از چاپ آن خودداری می‌کند (Carey, 1996, p223). مثل اینکه چاپ کننده آگاهانه و با تبانی نویسنده، مبادرت به چاپ مطالب زیان بار کرده باشد.

نتیجه

۱- در حقوق موضوعه ایران، در خصوص مسئولیت مدنی دست‌اندرکاران فعالیت‌های مطبوعاتی قانون خاصی وجود ندارد. قانون مطبوعات نیز ظاهراً ناظر بر مسئولیت کیفری است. تنها نص قانونی، تبصره ۱ ماده ۳۰ قانون مطبوعات است که به موجب آن زیان دیده از جرایم مذکور در آن ماده می‌تواند برای جبران خسارت به دادگاه مراجعه کند. اما با توجه به قانون مسئولیت مدنی و اصول کلی حقوقی، مسئولیت کیفری مطبوعاتی مانع مسئولیت مدنی مطبوعاتی نیست. براین اساس هرگاه در نتیجه یک فعالیت مطبوعاتی به کسی زیانی وارد شود،

در جبران آن به عنوان ضرر و زیان ناشی از جرم بر مبنای مسئولیت مدنی، نباید تردید کرد. در حقوق مطبوعات کشورهای پیشرفته مهمترین و شایعترین تخلفات مطبوعاتی نظیر هتک حرمت، افترا، توهین و افشای اسرار اشخاص در قلمرو مسئولیت مدنی قرار دارد. پیش‌بینی خطاهای مدنی مطبوعاتی و محکومیت‌های سنگین مالی مطبوعات در صورت ارتکاب آن، از یک سو، موجب پیشگیری از ارتکاب تخلفات مطبوعاتی شده و از سوی دیگر قانونگذار بدون توسل به مجازات که در امور فرهنگی و مطبوعاتی اثر منفی دارد، توانسته است به انحرافات مطبوعاتی پاسخ مناسب دهد و با جبران خسارت مادی و معنوی، آلام بزه دیده تا حدودی تخفیف یابد. در قانون مطبوعات ایران، مشابه تفکیک فوق وجود ندارد، و چنانکه گفته شد، قانون مطبوعات تنها مسئولیت کیفری فعالان مطبوعاتی را بیان کرده است و از مسئولیت مدنی آنان غافل مانده است.

۲- در خصوص فرد مسئول در مسئولیت مدنی مطبوعاتی، در نظام‌های حقوقی دنیا، نظریه‌های مختلفی وجود دارد. قانون مطبوعات ایران از نظریه مسئولیت فردی و ترتیبی پیروی نکرده و تمام دست‌اندرکاران یک فعالیت مطبوعاتی یعنی، صاحب امتیاز، مدیرمسئول و نویسنده (به جز ناشر، چاپ‌کنندگان و سایر افراد دیگر دخیل در انجام عمل مطبوعاتی، حسب اختلاف نظر) در برابر زیان دیده مسئولند، و مسئولیت هر یک رافع مسئولیت دیگری نیست.

۳- در اینکه مسئولیت افراد دخیل در فعالیت مطبوعاتی تضامنی یا غیرتضامنی است، در قانون مطبوعات نصی وجود ندارد و با توجه به اصول کلی حقوقی و قوانین عام از جمله ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی، به دشواری می‌توان مسئولیت تضامنی دست‌اندرکاران مطبوعاتی را در حقوق ایران استنباط کرد؛ بر این اساس باید حکم به تقسیم مسئولیت نمود. در مورد نحوه تقسیم مسئولیت نیز به رغم اختلاف نظرهایی که در خصوص تقسیم مسئولیت بین عاملان زیان (به طور کلی) وجود دارد به نظر می‌رسد با توجه به مواد ۳۶۵ و ۳۳۶ قانون مجازات اسلامی و نظر مشهور فقها در فقه، تساوی مسئولیت ترجیح دارد.

۴- با توجه به تبصره ۴ ماده ۹ قانون مطبوعات که مدیرمسئول را مسئول تک تک مطالب چاپ شده در نشریه می‌داند و تکرار آن حکم در تبصره ۷ همان ماده، به نظر می‌رسد که قانون مطبوعات ایران یک نوع اماره مسئولیت مدیرمسئول ایجاد کرده است، که به موجب آن علی‌الاصول مدیرمسئول، مسئول مطالب زیان بار یک نشریه است و باید در برابر زیان دیده مسئول و پاسخگو باشد، مگر آنکه خلاف آن ثابت شود. در عمل هم هرگاه یک مطلب زیان بار در نشریه‌ای به چاپ می‌رسد، علیه مدیرمسئول دعوی اقامه می‌شود و محاکم نیز او را به مجازات محکوم می‌کنند. به لحاظ مسئولیت مدنی نیز باید در وهله اول او را مسئول جبران

خسارت وارد بر زیان دیده دانست، مگر آنکه ثابت شود زیان وارده منتسب به سایر افراد (نویسنده و ...) نیز هست.

منابع و مأخذ

الف- فارسی

- اسماعیلی، محسن، (۱۳۷۵)، شرایط و وظایف مدیر مسئول، فصل نامه مطالعاتی و تحقیقاتی رسانه، شماره ۲۸.
- انصاری، باقر، (۱۳۸۱)، مسئولیت مدنی رسانه های همگانی، نشر ریاست جمهوری معاونت پژوهشی، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور، چاپ اول، تهران.
- بردبار، محمدحسن، (۱۳۸۴)، درآمدی بر حقوق ارتباطات جمعی، چاپ دوم، تهران: ققنوس.
- درودیان، حسینعلی، (۱۳۷۴)، جزوه درس مدنی ۴، نیمسال دوم سال تحصیلی ۷۹-۷۸، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران.
- ژوردان، پاتریس، (۱۳۷۸)، تحلیلهای رویه قضایی فرانسه در زمینه مسئولیت مدنی، ترجمه حمید ادیب، تهران: نشر میزان.
- کری پیتر و جوساندرز، (۱۳۷۸)، حقوق رسانه، ترجمه دکتر محمدرضا ملک محمدی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- شیخ الاسلامی، عباس، (۱۳۸۰)، جرایم مطبوعاتی، چاپ اول، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
- صادقی، حسین، (۱۳۸۸)، مسئولیت مدنی در ارتباطات الکترونیکی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- فضلی، مهدی، (۱۳۸۹)، مسئولیت کیفری در فضای سایبر، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۴)، حقوق مدنی، الزام های خارج از قرارداد، (مسئولیت مدنی و ضمان قهری)، چاپ اول، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- کریمیان راوندی، مهدی، (۱۳۸۲)، عملکرد یک خبرنگار از دیدگاه حقوقی (و هفته نامه رسانه) سال اول، شماره ۹.
- کریمیان راوندی، مهدی، (۱۳۸۶)، مسئولیت مدنی اعضای روزنامه نگاران، تهران: نشر دادگستر.
- گارو (رنه)، (۱۳۸۷)، مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا، ترجمه سید ضیاء الدین نقابت، جلد سوم، تهران: انتشارات ابن سینا.
- محسنیان، سید علی، (۱۳۸۳)، مسأله ورود رسانه ها به حریم خصوصی، تهران: انتشارات صدا و سیما.
- محمدی، قاسم، (۱۳۲۳)، نشریه پژوهش و سنجش (۱۱) شماره ۳۹ و ۴۰ (رسانه و حقوق).
- معتمد نژاد، کاظم، گرجی، ابوالقاسم و اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۸۱)، میز گرد جرایم مطبوعاتی، مجله پژوهشهای حقوقی، سال اول شماره ۱.
- معتمد نژاد، کاظم، (۱۳۷۹)، حقوق ارتباطات (بررسی تطبیقی مبانی حقوقی آزادی مطبوعات و مقررات تأسیس و انتشار آنها) جلد ۱، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.
- معتمد نژاد، کاظم، (۱۳۸۷)، حقوق مطبوعات، جلد یکم، چاپ پنجم، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه ها.

ب- خارجی

- انگلیسی

- 1- Brandon, Steve, (1995), Criminal Law, University of London.
- 2- Brown W. J. (2003), GCSE Law, Published by Majd.
- 3- Cary, Peter, (1999), Media Law, Sweet & Maxwell.
- 4-Cooke, John, (2001), Law of Tort, Published by Pearson.
- 5- Hesston, R.F.V. (1999), Salmon on the Law of Torts, London.
- 6-Molyneux, Michael, (1998), Legal Problems, Published by Oxford.
- 7- Luney, (Mark) & Oliphant, (Ken), (2000), Tort Law, Published by Oxford.
- 8- Smith and Hogan, (2003), Criminal Law, Sixth edition, London, Butter worth's.
- 9-Waldo (James), (2004), Herberts (S.Lin) and, Iynettel, (Millett), Engaging Privacy and Information Technology in a Digital Age, Washington, d. c.

- فرانسه

- 1- Capella, Luncien, (1994), Liberté de la presse, Presses Universitaires daix, Marseille.
- 2- Blin Henri et Autree, (1885), Traité du Droit de la Paress.
- 3- Derieux, Emmanuel, (2002), Droit de la Communication, 2e Edition, L.G.D.J. Paris.
- 4- Dreyer, Emmanuel, (2007), Responsabilité civil et p'enale des médias, paris.
- 5-Mazeaud (Henri et Léon), Tunc, André, 1995, Traité théorique, et Pratiques de la Responsabilité civile, 6ed, Montchresties, Paris.
- 6- Strack, Boris, (1982), Droit Civil, Les obligations, Libraries Techniques, Paris.
- Blin (Henri),chavanne (Albert), prayo (Roland) net, Boinet (Jean), Traité du droit de la Presse, Librairies technique, 1969.